

سرنوشت احادیث تا
خلافت عمر بن
عبدالعزیز رحمۃ اللہ علیہ

گردآوری:

ابوعمر انصاری

عنوان کتاب: سرنوشت احادیث تا خلافت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه
گرد آوری: ابو عمر انصاری
موضوع: حدیث و سنت - تاریخ و اصول علم حدیث و رجال
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع: کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- سرنوشت احادیث از حیات پیامبرﷺ تا خلافت عمر بن عبدالعزیزؓ.....
- ۱.....
- احادیثی که در آنها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است:..... ۴
- از جمله‌ی این احادیث صحیح:..... ۴
- نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه..... ۶
- تشویق شاگردان به نوشتن احادیث..... ۷
- تدوین احادیث در صحیفه‌ها..... ۷
- نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه:..... ۸
- تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:..... ۸
- نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:..... ۹
- مثال‌هایی از این صحیفه‌ها:..... ۱۰
- برگرفته از:..... ۱۱

سرنوشت احادیث از حیات پیامبر ﷺ تا خلافت عمر بن

عبدالعزیز رضی الله عنه

در بین برخی چنین شایع است که احادیث رسول الله ﷺ بیش از صد سال بدون اینکه نوشته شود، سینه به سینه در میان مسلمانان نقل شده، تا اینکه زمان عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه این احادیث به دستور وی بر روی کاغذ مکتوب شده است.

لذا افرادی که منتظر بهانه برای وارد کردن طعن به دومین منبع اصیل اسلام یعنی سنت هستند فرصت را غنیمت شمرده، از این اشتباه غیر علمی سود برده و برای خود داستان‌ها ساخته تا شاید به گمان باطل دل‌هایی را به بیراهه کشانده و بگویند از کجا معلوم احادیثی که پس از یک قرن بدون نوشتن رها شده ساخته‌ی فکر جاعلان و دروغگویان نباشد.

زیرا علمای اسلام خود بر این نظر اتفاق دارند که اولین کسی که سنت را تدوین و تصنیف نمود ابن شهاب الزهری است که در سال ۱۲۴ یا ۱۲۵ هجری وفات نموده است.

و با این سخن این گمان را به وجود می‌آورند که اولین کسی که احادیث را نوشته ابن شهاب زهری است.

و در تقویت ادعاهای خود احادیثی را مبنی بر نهی رسول الله ﷺ از نوشتن حدیث و امتناع اصحاب خصوصاً شیخین (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) از جمع‌آوری و نوشتن سنت، ذکر می‌کنند.

در این میان از جمله علمای حدیث که به رد این شبهات واهی پرداخته و اثبات نموده که احادیث رسول الله ﷺ بدون انقطاع و با امانت داری کامل

به ما رسیده، خطیب بغدادی رضی الله عنه می‌باشد که در کتاب ارزشمندش «تقیید العلم» به این مسئله می‌پردازد.

خطیب در این کتاب ابتدا به بررسی احادیثی می‌پردازد که در آن‌ها از نوشتن حدیث نهی شده و این احادیث را با هم چه صحیح و چه ضعیف ارائه می‌کند.

ولی این احادیث به جز یک حدیث یعنی حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلَيْمَحُهُ». [أخرجه مسلم مرفوعاً]. ترجمه: «از (سخنان) من چیزی را ننویسید و هرکس غیر از قرآن چیزی از (سخنان) من را نوشته آن‌ها را پاک کند».

ما بقی چنانچه دکتر محمد مصطفی الأعظمی در کتاب «دراسات في الحديث النبوي» به آن می‌پردازد، دارای ضعف می‌باشند. و حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه چنانچه امام بخاری بیان می‌کند موقوف است یعنی سخن خود ابی سعید است نه قول رسول الله صلی الله علیه و آله.

با این وجود اگر ما این احادیث را صحیح بدانیم، از یک طرف بنا به قول ابن قتیبه، رامهرمزی، خطابی و گروهی دیگر از علمای حدیث، احادیث امر به نوشتن که صحیح و صریح می‌باشند، ناسخ احادیث نهی می‌باشند.

و از طرفی دیگر بنا به قول خطیب بغدادی و خطابی و دیگر علما این نهی، مربوط به عدم نوشتن احادیث در مصحف‌هایی است که قرآن در آن نوشته می‌شده تا ناخواسته اختلاطی بین آیات قرآن و احادیث بوجود نیاید.

همچنین گفته شده که نهی برای کسانی بوده که بیم می‌رفته بر نوشتن تکیه کرده و حفظ را فراموش کنند و رخصت برای کسانی است که از این موضوع در امان باشند.

خطیب بغدادی رضی الله عنه در ادامه‌ی کتابش در فصل دوم و سوم روایات و

اخباری را از صحابه و تابعین که دال بر کراهت نوشتن است می‌آورد، که این روایات در واقع حاکی از علت‌هایی است که سبب می‌شد اصحاب یا تابعین به خاطر آن نوشته‌هایشان را از بین برده یا بسوزانند.

و در هیچکدام از این‌ها نصی بر نهی رسول الله صلی الله علیه و آله از نوشتن احادیث به چشم نمی‌خورد.

خطیب بغدادی رحمته الله فصل سوم از قسمت دوم کتابش را با این جمله آغاز می‌کند: «ترس از افتادن علم به دست نا اهلان و کسانی که به این خاطر کتابهای خود را قبل از مرگ از بین می‌بردند».

و اگر بیندیشیم، می‌بینیم که حقیقت نیز همین است زیرا اگر نهی صریحی از رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره وجود داشت، ابوبکر صدیق رضی الله عنه احادیث را جمع‌آوری نمی‌کرد یا عمر بن خطاب رضی الله عنه نیت به جمع‌آوری سنت نمی‌نمود.

همچنین خطیب در فصل دوم از همین قسمت، از کسانی نام می‌برد که در آخر عمر خود از عمل محو احادیث پشیمان می‌شدند. از جمله‌ی آن‌ها «عروه بن زبیر» می‌باشد که این گونه می‌گوید: «در ابتدا احادیث را می‌نوشتیم، سپس آن‌ها را پاک کردم و الان حاضرم مال و فرزندانم را برای بدست آوردنشان فدا کنم».

در این میان سفیان ثوری رحمته الله که از مخالفین انکای بر کتابت بود، خود احتیاطاً احادیث را می‌نوشت.

پس با تمام این گفته‌ها واضح و آشکار است کسانی که از نوشتن احادیث خود داری می‌کرده یا اینکه بعد مصاحف خود را از بین می‌بردند بر اساس اجتهاد شخصی بوده و یک مسئله‌ی عمومی نبوده است.

و تعداد دیگری از صحابه و تابعین همواره وجود داشته‌اند که احادیث را از طریق نوشتن محافظت می‌نمودند.

خطیب بغدادی رضی الله عنه در قسمت سوم کتاب خود احادیثی را از رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر می کند که در آن ها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است.

احادیثی که در آن ها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است:

از جمله ی این احادیث صحیح:

۱- حدیث ابی هریره: «ما من أصحاب النبي صلی الله علیه و آله أحد أكثر حديثاً عنه مني، إلا ما كان من عبدالله بن عمرو، فإنه كان يكتب ولا أكتب»^۱.

«هیچ کدام از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از من حدیث روایت نکرده به جز عبدالله بن عمرو که او می نوشت ولی من نمی نوشتم».

۲- از ابوهریره بازهم روایت است که: «خطب رسول الله صلی الله علیه و آله في فتح مكة... إلى أن قال: " اكتبوا لأبي شاة"»^۲.

«از ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله در فتح مکه خطبه خواند... تا جایی که فرمود: برای ابی شاة (سخنان من را) بنویسید».

۳- حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص: «كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى أَنْ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَكْتُبُ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّي إِلَّا حَقٌّ»^۳.

حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه: «من هر چیزی را که از رسول الله صلی الله علیه و آله می شنیدم می نوشتم ... تا جایی که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

۱ - باب كتابة العلم از کتاب العلم از صحیح امام بخاری.

۲ - مصدر قبلی.

۳ - امام احمد بن حنبل در مسندش (۱۶۳/۲) و الدارمی در سننش باب من رخص فی

كتابة العلم (۱۰۳/۱)

بنویس، قسم به ذاتی که جانم در دست اوست هر چه از دهان من خارج می شود حق است».

سپس خطیب در فصل دوم کتاب خود که آن را باب «اصحابی که از آن‌ها روایت شده علم را می‌نوشتند یا به نوشتن آن امر می‌کردند»، نام گذاری کرده، روایات زیادی را در این باره ذکر می‌کند که اکثر آن‌ها صحیح هستند.

از جمله‌ی آن‌ها روایت ابو سعید خدری رضی الله عنه است که فرمود: «ما کنا نکتب شیئا غیر القرآن والتشهد». «ما غیر از قرآن و تشهد چیز دیگری را نمی‌نوشتیم».

و ابوسعید کسی است که حدیث: «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي سِوَى الْقُرْآنِ مَنْ كَتَبَ عَنِّي سِوَى الْقُرْآنِ فَلْيَمُحُهُ». را روایت می‌کند.

خطیب می‌گوید: او همان کسی است که خبر از نوشتن قرآن و تشهد می‌دهد و این خود دلیلی است بر اینکه نهی از نوشتن قرآن همانطور که گفته شد به خاطر پرهیز از اختلاط چیزی با کلام الله جل جلاله و عدم مشغولیت به غیر از قرآن بوده است. و زمانی که این خطر برطرف شده و نیاز به نوشتن به وجود آمده، دیگر نوشتن حدیث مکروه نیست، چنانچه صحابه نوشتن تشهد را مکروه نمی‌دانستند.

و هیچ فرقی بین تشهد و دیگر علوم نیست، زیرا هیچکدام قرآن نمی‌باشند.

و کتابت حدیث توسط صحابه به خاطر احتیاط بوده چنانچه کراهت کتابت نیز به همین دلیل بوده است.

خطیب فصل سوم کتابش را به ذکر روایات از تابعین و اجازه و تشویق شاگردانشان نسبت به نوشتن حدیث اختصاص داده است.

اما سبب گسترش کتابت سنت در عصر تابعین و بعد از آن و تکیه کردن بر کتابت را، خطیب رضی الله عنه اینگونه توضیح می‌دهد:

مردم نوشتن علم را گسترش دادند و پس از اعتقاد به کراهیت به آن روی آوردند، زیرا روایات منتشر و سندهای حدیث طولانی و اسامی رجال و کنیه و نسب‌هایشان زیاد شد و الفاظ عبارتها، متفاوت گشت در نتیجه سینه‌ها از حفظ عاجز ماندند و حدیث مکتوب در این زمان قابل اعتمادتر از علم حافظ شد و رسول الله صلی الله علیه و آله به کسی که حافظه‌اش ضعیف بود اجازه‌ی نوشتن را داده بود و عمل صحابه و تابعین و پیروان آنها نیز بیانگر همین مطلب بود.

نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه

- ۱- جابر بن سمره رضی الله عنه بعضی از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را نوشت و آنها را بنا به طلب عامر بن سعد بن ابی وقاص برایش فرستاد^۱.
- ۲- زید بن ارقم رضی الله عنه بعضی از احادیث نبوی را نوشته و برای انس بن مالک رضی الله عنه ارسال کرد^۲.
- ۳- نوشته‌ی زید بن ثابت رضی الله عنه بنابر درخواست عمر بن خطاب رضی الله عنه در موضوع جد^۳.
- ۴- سمرة بن جندب احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله را که نزد خود داشت برای پسرش سلیمان نوشت و فرستاد و امام محمد بن سیرین رضی الله عنه

۱ - صحیح امام مسلم کتاب الإمارة (۱۰).

۲ - مسند امام احمد (۳۷۰/۴-۳۷۴) و تهذیب التهذیب ابن حجر (۳۹۴/۳).

۳ - سنن دارقطنی (۹۳/۴-۹۴).

این نامه را تحسین کرده و می‌گوید: در نامه سمره به پسرش علم فراوانی نهفته است.^۱

۵- عبدالله بن ابی اوفی احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را برای عمر بن عبدالله فرستاد.^۲

تشویق شاگردان به نوشتن احادیث

۱- انس بن مالک رضی الله عنه فرزندانش را به نوشتن علم تشویق می‌کرد و می‌گفت: «فرزندانم علم را بوسیله نوشتن نگهداری کنید. و می‌گفت: ما علم کسی را که ننوخته بود علم به حساب نمی‌آوردیم».

۲- خطیب بغدادی از تعدادی از شاگردان عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که ابن عباس گفته: «علم را با نوشتن محافظت کنید زیرا بهترین محافظ برای علم کتاب است».

۳- همچنین از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت میکنند که گفت: «علم را با نوشتن محافظت کنید».

۴- و از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده که گفت: «چه کسی با پول علم را از من می‌خرد؟ ابوخیثمه می‌گوید: (منظورش این بود که) دفتری را بخرد که علم را در آن بنویسد».

تدوین احادیث در صحیفه‌ها

در حقیقت صحیفه‌ها منشأ اصلی تصنیفات جوامع، مسانید و سنن در قرن دوم و سوم هجری می‌باشند.

۱ - تهذیب التهذیب (۲۳۶/۴-۲۳۷)، سنن ابی داود (۳۱۴/۱-۳۱۵: ح: ۴۵۶).

۲ - کتاب جهاد از صحیح امام بخاری و هجین صحیح امام مسلم (ح: ۲۰).

حافظ ابن رجب می‌گوید: «آنچه در زمان صحابه رضی الله عنهم نوشته می‌شد، مرتب و موضوع بندی شده نبود و فقط برای حفظ و مراجعه نوشته می‌شد. سپس در عصر تابع تابعین این احادیث گردآوری شد. بعضی از اهل علم سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله را گردآوری کرده و گروهی دیگر سخنان صحابه را». عبدالرزاق می‌گوید: اولین کسی که نوشته‌ها را گردآوری کرد ابن جریج بود و اوزاعی زمانی که به نزد یحیی ابن کثیر رفت کتاب‌هایش را تصنیف نمود.

نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه:

- ۱- صحیفه ابوبکر صدیق رضی الله عنه که در آن صدقات واجب نوشته شده بود.
 - ۲- صحیفه‌ی علی بن ابی طالب.
 - ۳- صحیفه‌ی عبدالله بن عمرو بن العاص معروف به صحیفه صادق.
 - ۴- صحیفه عبدالله بن ابی اوفی.
 - ۵- صحیفه ابوموسی الأشعری.
 - ۶- صحیفه جابر بن عبدالله.
- همه‌ی این صحیفه‌ها در حیات رسول الله صلی الله علیه و آله نوشته شدند. همچنین می‌توان از صحیفه‌ی همام معروف به صحیفه‌ی صحیح نام برد که احادیثش از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است.

تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:

تابعین رحمهم الله سنت رسول الله و بلکه کل دین را از صحابه دریافت نمودند و ابلاغ این رسالت عظیم را عهده دار شدند. بهترین نسل بعد از صحابه آن‌ها بودند که زحمات زیادی در خدمت به

سنت رسول الله صلی الله علیه و آله کشیدند.

نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:

خطیب بغدادی رضی الله عنه از حسن بصری روایت می‌کند که او گفت: «هیچ چیز همانند کتاب، علم را محافظت نمی‌کند، ما علم را می‌نویسیم تا از آن محافظت کنیم».

و از سعید بن جبیر روایت می‌کند که گفت: «من نزد ابن عباس رضی الله عنهما می‌نوشتم تا اینکه دفترم پر می‌شد سپس روی دمپایی‌ام می‌نوشتم و سپس در کف دستم».

و از صالح بن کیسان روایت می‌کند که او گفت: «من و ابن شهاب زهری با هم علم می‌آموختیم. به هم گفتیم که سنتها را می‌نویسیم. پس هر آن چه از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده بود را نوشتیم سپس او گفت: آن چه از صحابه به ما رسیده را نیز بنویسیم زیرا سنت است. گفتم: سنت نیست و من نمی‌نویسم.

او نوشت و من ننوشتم، او برد و من باختم».

و از ابن شهاب زهری روایت می‌کند که می‌گفت: «اگر به خاطر احادیث ناپسند و ناشناخته‌ای که از مشرق می‌آمدند نبود، نه حدیثی را می‌نوشتم و نه اجازه به نوشتن می‌دادم».

و خطیب رضی الله عنه از معاویه بن قره روایت می‌کند که گفت: «ما علم کسی را که نمی‌نوشت علم به حساب نمی‌آوردیم».

نوشتن احادیث در زمان تابعین گسترش فراوانی یافت، چنانچه نوشتن امر لاینفک مجالس و دروس علم شده بود. در این عصر صحیفه‌های فراوانی نوشته شد که دکتر مصطفی الأظمی

تعداد بسیاری از آن‌ها را در کتابش «دراسات في الحديث النبوي» آورده است.

مثال‌هایی از این صحیفه‌ها:

- ۱- صحیفه یا صحیفه‌های سعید بن جبیر شاگرد ابن عباس رضی الله عنهما.
 - ۲- صحیفه بشیر بن نهیک که به نقل از ابوهریره رضی الله عنه و دیگران نوشته شده.
 - ۳- صحیفه‌های مجاهد بن جبر شاگرد ابن عباس رضی الله عنهما.
 - ۴- صحیفه ابی الزبیر محمد بن مسلم بن تدرس المکی شاگرد جابر بن عبدالله رضی الله عنه.
 - ۵- صحیفه زید بن ابی‌انسه الزُّهاوی.
 - ۶- صحیفه ابی‌قلابه که هنگام وفات آنرا برای ایوب السختیانی وصیت کرد.
 - ۷- صحیفه ایوب بن ابی‌تمیمه السختیانی.
 - ۸- صحیفه هشام بن عروه بن الزبیر.
- اما دوران عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه تابعی بزرگوار مشهورتر از آن است که نیاز به شرح و بیان داشته باشد.
- امام بخاری در صحیحش از عبدالله بن دینار روایت می‌کند که عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه برای ابی‌بکر بن حزم نوشت: «هرآن چه از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله که وجود دارد را بیاب و بنویس زیرا من از نابودی علم و رفتن علما می‌ترسم. و به جز حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله چیز دیگری را قبول نکن و باید علم آشکار شود و باید مجالسی برپا کنید تا هر کس نمی‌داند، علم پیدا کند، زیرا علم از بین نمی‌رود مگر زمانی که پنهانی شود».

از ابن شهاب زهری نیز روایت شده که عمر بن عبدالعزیز به ما دستور داد تا احادیث را جمع آوری کنیم.

و آن را دفتر دفتر می‌نوشتیم سپس او به تمامی قلمرو حکومت خود دفتری را فرستاد.

بله این‌ها سندهایی تاریخی و محکم از سرنوشت احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله در قرون اولیه اسلام بود.

حقیقی که برای هر طالب حق هیچ جای شکی را باقی نمی‌گذارد که احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله با حفاظت کامل از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

البته من این مطالب را برای پاسخ به منکرین سنت جمع آوری نکردم. بلکه هدیه‌ای است برای مؤمنانی که با فهم این حقایق بر ایمانشان افزوده شده و اعتقادشان استوارتر می‌گردد.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

برگرفته از:

۱- کتاب تدوین السنة النبوية ونشأته وتطوره، تألیف: دکتر محمد بن مطر الزهرانی.

۲- و کتاب: تقیید العلم، تألیف: ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی.